

جایگاه فقهی و حقوقی کار خانگی زن (کتاب)

نویسنده خلاصه: هادی صادقی
نویسنده کتاب: معصومه نیکوخصال

چکیده

جایگاه فقهی و حقوقی کار خانگی زنان کتابی به زبان فارسی است که به بررسی کار زن در منزل از منظر فقه و حقوق می‌پردازد. معصومه نیکوخصال نویسنده کتاب، حمایت‌های قانون از کار خانگی زنان را ناکافی می‌داند و می‌کوشد اثبات کند که کار خانگی زنان طبق شرایطی، استحقاق اجرت‌المثل را دارد. نگارنده با استفاده از تمام ادله (آیات، روایات، دلیل عقلی و اجماع) بر این باور است که اجرت‌المثل مانند باب جعاله و اجاره، در کار خانگی زن نیز موضوعیت دارد و تمامی شرایطی که در آن ابواب طرح شده، در کار خانگی زنان نیز صدق می‌کند.

نویسنده در باب قلمرو ثبوت اجرت‌المثل در کار خانگی زنان، به این نتیجه می‌رسد که در مواردی که شارع زن را به اذن گرفتن از شوهر امر کرده یا به تمکین در برابر شوهر دستور داده است، زن نمی‌تواند تقاضای اجرت‌المثل کند، زیرا این امور بر زن واجب هستند؛ اما هر کاری که زن با امر صریح و غیرصریح یا اذن شوهر بدون قصد تبرع انجام داده و اجرت عرفی بدان تعلق می‌گیرد، قلمرو ثبوت اجرت‌المثل است.

ساختار کتاب

کتاب جایگاه فقهی و حقوقی کار خانگی زن به قلم معصومه نیکوخصال و با موضوع کار خانگی زن از منظر فقه و حقوق در ۱۲۰ صفحه تنظیم شده است. این کتاب به زبان فارسی است و نشر هاجر آن را منتشر کرده است. کتاب دارای یک مقدمه و سه فصل است و در انتها با نتیجه و کتابنامه به پایان می‌رسد.

در فصل نخست به بررسی حکم فقهی و حقوقی کار خانگی زن ضمن دو گفتار پرداخته است. در گفتار اول به مباحثی چون مواد موجود در قانون درباره کار خانگی زنان و سیر حمایت قانون از اجرت‌المثل این نوع کار و همچنین بررسی احتمالات درباره ماهیت آن می‌پردازد. در گفتار دوم نیز به بررسی آرای فقهای شیعه پیرامون حکم وضعی و حکم تکلیفی کار خانگی زنان پرداخته است.

در فصل دوم مستندات ثبوت اجرت‌المثل کار خانگی زنان ذیل دو عنوان ادله اجتهادی و قواعد فقهی بررسی شده است. از جمله ادله اجتهادی مورد اشاره نویسنده، آیه اعتداء، روایاتی چون روایت احترام مال مسلم و روایت لاضرر، اجماع و عقل است. همچنین در قواعد فقهی به قواعدی مانند قاعده احترام مال مسلم، قاعده لاضرر، قاعده غرور و قاعده اتلاف پرداخته شده است.

نویسنده در فصل سوم با عنوان قلمرو ثبوت اجرت‌المثل به بررسی گستره ثبوت اجرت‌المثل بر اساس قاعده اولی در روابط انسانی، آیاتی چون آیه قیومت و آیه درجه، و همچنین

روایاتی مانند روایت اطاعت زن از شوهر در معروف و لزوم استیذان و لزوم تمکین از شوهر پرداخته است.

کار خانگی زن در حقوق ایران
نویسنده با استناد به قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران به بررسی کار خانگی زن از منظر دو ماده قانونی در حقوق ایران می‌پردازد.

اجرت‌المثل کار خانگی زن
نگارنده، «تبصره ماده ۳۲۶ قانون حمایت از خانواده» را مرجع اثبات اجرت‌المثل برای کار خانگی زن در خانه شوهر می‌داند. به گفته او این قانون چهار شرط برای استحقاق اجرت‌المثل لحاظ کرده است: وظیفه شرعی نبودن کارهای انجام شده از طرف زوجه، اجرت عرفی داشتن کار زن، قصد امتثال امر شوهر و عدم قصد تبرع زن (ص ۱۵-۲۷).

مؤلف ادعا می‌کند که دلیل فقهی قابل استنادی جهت اثبات وجوب کار خانگی زنان وجود ندارد و روایت مورد استناد را با ذکر دلیل، برای اثبات وجوب کافی نمی‌داند؛ بنابراین زمانی که وجوب کار خانگی زن اثبات نشود، مستحق دریافت اجرت خواهد بود (ص ۱۶). او کار زن را دارای اجرت عرفی می‌داند و معتقد است اگر عرف جامعه کار زن در منزل را تبرعی می‌داند ریشه در جهل ما از عدم وجوب کار زن در منزل دارد (ص ۲۰).

نگارنده توقع مرد از زن جهت انجام کارهای خانه را بهترین اماره برای آمر بودن مرد می‌داند، لذا کار زن را امتثال امر شوهر قلمداد کرده (ص ۲۲) و بر مبنای نظر مراجع تقلیدی چون محمدتقی بهجت، سید علی سیستانی و لطف‌الله صافی گلپایگانی و همچنین مواد قانونی، اصل را عدم تبرع می‌داند و به اشکالات وارد شده بر آن پاسخ می‌دهد (ص ۲۵-۲۷).

لزوم پرداخت نحله از سوی مرد به زن هنگام طلاق
بر اساس «بند ب ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق» در صورت عدم اثبات اجرت‌المثل برای کار خانگی زن، مرد ملزم به پرداخت نحله (بخشش) به زن خواهد بود (ص ۲۷). نویسنده درباره ماهیت نحله سه احتمال را مطرح می‌کند: ۱) هم‌ماهیت با مهریه و متاع (ص ۲۹-۳۲؛ ۲) هم‌ماهیت با هبه (ص ۳۲-۳۳؛ ۳) یک تاسیس حقوقی مستقل که به دفاع از حقوق زنان در برابر سوءاستفاده مردان می‌پردازد (ص ۳۳-۳۴). نویسنده پس از بررسی ادله، دو احتمال اول را رد می‌کند. به نظر او شرایط و ویژگی‌های نحله با شرایط و ویژگی‌ها مهریه و هبه متفاوت است؛ زیرا مثلاً هبه نیازمند ایجاب و قبول است، در حالی که طبق بند قانونی، نحله نیازمند ایجاب و قبول نیست. سپس مؤلف بیان می‌کند که عدم پذیرش دو احتمال نخست موجب می‌شود که نحله مبنای فقهی نداشته باشد و لذا مشروعیتش ناشی از حکم حکومتی است (ص ۲۷-۳۴).

نگارنده در نهایت قوانین موضوعه را درباره کار خانگی زنان کافی نمی‌داند، زیرا در باب اجرت‌المثل به زن به چشم یک اجیر نگاه شده و مشکلاتی از قبیل اثبات عدم قصد تبرع را پیش روی زن قرار می‌دهد. در مورد نحله هم بعد از درخواست طلاق و عدم اثبات اجرت‌المثل

و احراز عدم امکان سازش، نحله به زن تعلق می‌گیرد، آن هم در صورتی که مرد توان مالی کافی داشته باشد (ص ۳۴).

احکام فقهی کار خانگی زن
نویسنده در ادامه فصل اول به بررسی احکام کار خانگی زن از منظر فقها در دو بخش حکم وضعی و حکم تکلیفی آن می‌پردازد.

حکم وضعی کار خانگی زن
نویسنده می‌گوید در بحث فقهی در باب کار خانگی زن مناسبت‌ترین باب از ابواب فقهی، باب‌های جعاله و اجاره هستند. برای اثبات اجرت‌المثل برای کار خانگی زن، ضرورت داشتن یا ضرورت نداشتن سه مولفه از نظر فقها اهمیت دارد؛ یعنی فقیه هر کدام از این مولفه‌ها را ضروری یا غیرضروری بداند در اثبات یا عدم اثبات اجرت‌المثل برای کار خانگی زن موثر است:

وجود امر از طرف آمر (شوهر): فقها وجود امر را جهت اثبات اجرت‌المثل ضروری می‌دانند. برخی اذن و امر غیرصریح را نیز هم‌ردیف امر صریح می‌دانند. لذا کارهایی که زن با امر صریح، امر غیرصریح یا اذن شوهر انجام داده، مستحق اجرت‌المثل است. البته کارهایی مثل کارهای هنری، پختن چند نوع غذا برای هنرنمایی و ... مستحق اجرت‌المثل نیستند. وجود قصد اجرت از طرف عامل: بسیاری از فقها در جایی که عامل قصد اجرت داشته، ولی آمر قصد تبرع کرده است را مشمول حکم به لزوم اجرت می‌کنند. حتی سید کاظم طباطبایی یزدی، عامل انجام کار را که نه قصد اجرت دارد و نه قصد تبرع، مانند عاملی می‌داند که قصد اجرت دارد. لذا استحقاق اجرت زن در جایی که بدون وجود قرینه، قصد اجرت کرده ثابت می‌شود.

اجرت عرفی بر عمل انجام شده: یعنی گرفتن اجرت در قبال آن متعارف باشد؛ در نتیجه اگر شخصی به اذن یا طلب صریح یا غیرصریح دیگری، کاری برایش انجام دهد که در عرف اجرت دارد، همین که عامل قصد تبرع نداشته باشد، مستحق اجرت‌المثل است (ص ۳۵-۴۴).

حکم تکلیفی کار خانگی زن
طبق گزارش نویسنده، قائلین به عدم وجوب کار خانگی زن سخن خود را به سه نحو بیان کرده‌اند: ۱) عدم انطباق نشوز بر ترک کار خانگی (وقتی نشوز نیست پس واجب نیست، زیرا نشوز از ترک واجبات حاصل می‌شود) ۲) مستحق نبودن مرد بر الزام زن برای انجام کار خانگی (مرد فقط در امور واجب می‌تواند همسر خود را امر کند) ۳) تصریح به عدم وجوب کار خانگی زن (ص ۴۴-۴۷). البته در مقابل، قائلین به وجوب کار خانگی زن به عرف استناد کرده و معتقدند که کار کردن زن در خانه شرط ضمنی عقد است و التزام به آن واجب است (ص ۴۸).

مستندات ثبوت اجرت‌المثل کار خانگی زن
نویسنده برای ثبوت اجرت‌المثل در کار خانگی زنان به چند آیه، روایت، اجماع، عقل و قواعد فقهی استناد کرده است.

آیات مورد استناد برای ثبوت اجرت المثل

آیه ۱۹۴ سوره بقره: «فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ». مولف با بررسی واژگان آیه بیان می‌کند که اتلاف عمل از مصادیق تعدی است و باید به مماثل عرفی شیء، جبران گردد. یعنی در بحث مورد نظر که مرد زن را به کاری امر کرده که عرفاً اجرت دارد موجب اتلاف عمل او شده و باید به مماثل عرفی آن جبران کند و مماثل عرفی همان اجرت‌المثل است (ص ۵۱-۵۷). در ادامه نویسنده دو اشکال به استدلال مذکور را بیان کرده و به آن‌ها پاسخ می‌دهد (ص ۶۰-۵۷).

آیه ۴۰ سوره شوری: «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةً مِّثْلُهَا». مراد از سیئه نخست عمل نامشروع است، اما مراد از سیئه دوم عمل مشروعی است مقابل عمل نامشروع اول. در صورتی که عمل نامشروع نخست اتلاف منافع یک شخص باشد با عدم پرداخت اجرتش باید مثلش یعنی قیمتش پرداخت شود؛ یعنی اجرت‌المثل. زن جهت اطاعت از شوهر و بدون قصد تبرع به انجام اموری پرداخته که عرفاً اجرت دارد و مرد با نپرداختن مرتکب سیئه شده و باید با پرداخت اجرت‌المثل جبران کند (ص ۶۰-۶۲).

آیه ۱۶۲ سوره نحل: «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ». عدم پرداخت اجرت‌المثل ستم است و این ستم باید با پرداخت اجرت‌المثل جبران شود (ص ۶۲).

نویسنده در ادامه به بررسی چند روایت برای اثبات اجرت‌المثل برای کار خانگی زنان می‌پردازد. اولین روایت، روایتی از پیامبر (ص) است که حرمت مال مومن را مانند حرمت خونس می‌داند. [۱] طبق بیان نگارنده همان‌طور که از مراتب احترام خون، هدر رفتن و لزوم تدارک آن است، از مراتب احترام مال نیز، لزوم تدارک مال تلف شده، با پرداخت مثل یا قیمت آن است؛ بنابراین در مورد کار زن در خانه شوهر می‌توان گفت که این نوع کار مال او محسوب می‌شود و حرمت دارد، پس در صورت تلف باید جبران گردد (ص ۶۲-۶۴). نویسنده همچنین به روایات دیگری همچون لا یحل مال امرء الا بطیب نفس، [۲] المغرور یرجع الی من غره [۳] و لا ضرر و لا ضرار علی مومن [۴] برای اثبات اجرت‌المثل کار خانگی زن استناد می‌کند (ص ۶۴-۶۹).

مولف کتاب همچنین بیان می‌کند که فقهای امامیه بر رجوع متضرر و مغرور به ضررزننده جهت جبران خسارات اجماع دارند؛ البته به گفته او اجماع در اینجا اجماع اصولی نیست و قابل استناد نیست (ص ۶۹). به باور نویسنده از نظر عقلی نیز، نفی ضرر و ضرار از مستقلات عقلیه بوده که بر اساس آن ضررزننده ملزم به جبران خسارت ناشی از ضرر است (ص ۷۰).

در پایان فصل دوم، نگارنده چهار قاعده فقهی را جهت اثبات اجرت‌المثل برای کار خانگی زنان ذکر می‌کند: قاعده احترام مال مسلم، قاعده لاضرر، قاعده غرور و قاعده اتلاف (ص ۷۱-۷۳).

قلمرو ثبوت اجرت‌المثل کار خانگی زنان

نویسنده کتاب جایگاه فقهی و حقوقی کار خانگی زن، فصل سوم کتاب را به تعیین قلمرو ثبوت اجرت‌المثل اختصاص داده و بر اساس قواعد فقهی، آیات و روایات بحث را پیش‌برده است.

استناد به قاعده سلطنت بر نفس

اولین مورد جهت مشخص کردن قلمرو ثبوت اجرت‌المثل را قاعده اولی در روابط انسانی یا به تعبیر فقها قاعده سلطنت بر نفس می‌داند. طبق این قاعده هیچ کس بر دیگری ولایت

ندارد و کسی حق تصرف در شئون زندگی و اموال دیگری را ندارد. مولف ادله‌ای را جهت اثبات این قاعده بیان می‌کند، بنابر این مرد هم بر زن ولایتی ندارد و قلمرو ثبوت اجرت‌المثل شامل تمام کارهایی است که زن به جهت اطاعت امر همسر و به قصد عدم تبرع انجام داده است (ص ۷۵-۸۰).

استناد به آیات قرآن نویسنده در ادامه برای مشخص ساختن قلمرو ثبوت اجرت‌المثل به آیاتی اشاره می‌کند که دال بر قوامیت مرد بر زن هستند.

اولین آیه مطرح‌شده آیه ۳۴ سوره نساء است. مولف ضمن بحثی مفصل در باب شان نزول و سیاق و مقصود آیه در پایان بحث نتیجه می‌گیرد که قلمرو ثبوت اجرت‌المثل با این آیه قابل تشخیص نیست و آیه در مقام اثبات ریاست مرد بر زن است و تنها نکته قابل برداشت در بحث مورد نظر این است که قلمرو اجرت‌المثل نامحدود نیست (ص ۸۰-۸۸).

آیه دوم آیه ۲۲۸ سوره بقره (آیه درجه) است. مولف ابتدا احتمالات پنجگانه در باب «درجه» را مطرح می‌سازد و سپس با رد چهار احتمال به این نتیجه می‌رسد که مقصود از «درجه» برتری مردان در حقوق است یعنی مردان از حقوق بیشتری برخوردارند، زیرا تکالیف بیشتری نسبت به زنان دارند. مولف این آیه را نیز برای تعیین قلمرو ثبوت اجرت‌المثل قابل استناد نمی‌داند (ص ۸۸-۹۲).

استناد به روایات بحث روایی سومین موردی است که برای مشخص کردن قلمرو ثبوت اجرت‌المثل برای کار خانگی زنان توسط نویسنده طرح می‌شود. نگارنده روایاتی را که زن را به اطاعت از شوهر تشویق می‌کنند یا مرد را به عنوان قیم زنان خطاب می‌کنند، برای تعیین قلمرو ثبوت اجرت‌المثل قابل استناد نمی‌داند (ص ۹۲-۹۳). او روایتی را ذکر می‌کند که پیامبر هنگام بیعت با زنان از آنها اقرار می‌گیرد که در معروف شوهران خود را نافرمانی نکنند. [۵] مولف ضمن تایید این روایت از حیث سند و دلالت، نتیجه می‌گیرد که می‌توان به استناد این روایت، قلمرو اطاعت از مرد و در نتیجه عدم ثبوت اجرت‌المثل را محدود به استیذان و تمکین دانست (ص ۹۲-۹۵). نگارنده در ادامه روایاتی را دال بر لزوم استیذان از همسر و لزوم تمکین در برابر حق استمتاع شوهر، آورده و چنین ادعا می‌کند که قلمرو ثبوت اجرت‌المثل شامل مواردی که اطاعت از همسر در آنها واجب بوده، نخواهد شد (ص ۹۵-۹۹).

پانویس

حر عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸۲.

احسائی، عوالی‌اللئالی‌العزیزیه، ج ۲، ص ۲۴۰.

موسوی بجنوردی، القواعد‌الفقهیه، ج ۱، ص ۲۶۱.

صدوق، من‌لایحضره‌الفقیه، ج ۳، ص ۲۳۳.

کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۲۶.

منابع

احسائی، محمد بن علی بن ابی‌الجمهور، عوالی‌اللئالی‌العزیزیه، قم، دار سید الشهداء للنشر، ۱۴۰۵ق.

حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.
صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۴ق.
کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الطبع و النشر، ۱۴۱۰ق.
موسوی بجنوردی، سید محمد، القواعد الفقهیة، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۱ش.

